

بسم الله الرحمن الرحيم  
روابط میان پاکستان و بنگلہ دیش  
(ترجمہ)

**خبر:**

رئیس حزب جمعیت علمای اسلام، مولانا فضل الرحمان روز سہ شنبہ گفت؛ پاکستان از خطرات تلخ گذشتہ عبور کردہ و خواستار ساختن آیندہ ای تازہ در روابط با بنگلہ دیش شدہ است. او این سخنان را ہمزمان با گرم تر شدن مناسبات دو کشور مطرح کرد.

**تبصرہ:**

باید بہ موج تازہ و پرتحرکی کہ این روزها بہ عنوان نشانہ ای از بہبود روابط میان اسلام آباد و داکا مطرح می شود، با دقت نگاہ کرد؛ موجی کہ شامل دیدارهای بلندپایہی نظامی و رفت و آمدہای سیاسی بودہ است. اما این تحرکات لزوماً بہ معنای نزدیکی واقعی میان پاکستان و بنگلہ دیش نیست؛ بلکہ بیشتر شبیہ پردہ ای برای پنهان کردن حقیقت و تلاشی برای تثبیت شکاف ها و اختلافاتی است کہ امت سال ہاست آرزوی عبور از آن را دارد.

این گزارش تأکید می کند کہ پس از خیزش مردمی بنگلہ دیش در اگست سال گذشتہ، روابط دوجانبہ و سطح تجارت میان پاکستان و بنگلہ دیش بہ طور چشمگیری بہتر شدہ است. در ماہ اکتبر نیز ساہر شمشاد میرزا، رئیس ستاد مشترک ارتش پاکستان بہ بنگلہ دیش سفر کرد؛ سفری کہ در آن او و فرماندہان نیروی هوایی و نیروی دریایی بنگلہ دیش از بہبود ہمکاری در عرصہ های دفاعی و امنیتی سخن گفتند.

دو طرف با ابراز خوش بینی اعلام کردند کہ آمادہ اند روابط نظامی خود را گسترش دہند و تأکید کردند کہ این ہمکاری باید بر پایہی برابری حاکمیتی و احترام متقابل استوار باشد.

با این حال، ہمہی این صحبت ها درباره ی ایمان مشترک و ہمکاری نظامی، در میدان عمل از مرزهای دولت های امروزی فراتر نمی رود و در همان چہارچوب محدود می ماند. فرماندہان ارتش در پاکستان و بنگلہ دیش بر این باورند کہ برای مقابله با فشارهای بیرونی باید شراکتی پایدار میان این دو منطقہ شکل بگیرد. اما وقتی بہ مسیر تاریخی و دہہ های گذشتہ نگاہ می کنیم، این سخنان بیشتر توخالی و بی محتوا بہ نظر می رسد؛ گویی از واقعیتی عمیق و صادقانہ حکایت نمی کند.

در سال های اخیر، جہان اسلام صحنہ ای دردناک و تکان دہندہ ای را در غزہ تجربہ کرد؛ صحنہ ای کہ یادآور یک نسل کشی تمام عیار بود. اما در همان لحظات اختلاف ها و مرزهایی کہ میان سرزمین های اسلامی کشیدہ شدہ، اجازہ نداد هیچ واکنش نظامی جدی و متحد شکل بگیرد.

با آن کہ بسیاری از این سرزمین ها از توان دفاعی قوی و امکانات گسترده ای برخوردارند؛ اما مرزهای ملی عملاً آن ها را در جای خود ثابت نگہداشت و مانع ہرگونہ حرکت مشترک شد؛ گویی حفظ «برابری و استقلال ہر کشور» مهم تر از رسیدگی بہ درد یک امت واحد تلقی شد.

در مقابل، ہرگاہ یکی از ہمین سرزمین ها بہ طور مستقیم مورد حملہ قرار گرفتہ، واکنشش فوری و قاطع بودہ است و این نشانہ ای روشن از وجود توانایی و قدرت است. اما مشکل در جای دیگری است، ارادہ ی سیاسی مشترک میان سرزمین های مسلمان فلج شدہ؛ ارادہ ای کہ سال ہاست زیر سایہ مرزهایی کہ استعمار انگلیس بر این سرزمین ها تحمیل کردہ، محدود و تکتہ تکتہ ماندہ است.

اکنون زمان آن رسیده که به واقعیت ویرانگر این مرزهای ملی اعتراف کنیم؛ مرزهایی که از زمان فروپاشی خلافت در سال ۱۹۲۴ دامن‌گیر امت شده است. الله سبحانه و تعالی ما را به وحدت فرمان داده و از تفرقه بازداشته است، چنانچه می‌فرماید :

**{وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا} [آل عمران: ۱۰۳]**

ترجمه: و همگی به ریسمان الله (سبحانه و تعالی) چنگ زنید و پراکنده نشوید.

این تفرقه‌ای که الله سبحانه و تعالی از آن هشدار می‌دهد، شامل همین مرزهای ساختگی و ملی نیز می‌شود. همکاری‌های محدود و مقطعی نظامی، آن هم بر پایه‌ی توافقاتی درباره‌ی احترام متقابل، در واقع فقط به تقویت حاکمیت دولت‌های تکه‌تکه‌شده می‌انجامد؛ ظاهری آراسته که وحدت واقعی و عمیقی را که مسلمانان مشتاق آن هستند را پنهان می‌کند.

زمان آن فرارسیده که این حقیقت را ببینیم و برای تغییر آن با تلاش سیاسی و مبارزه‌ی فکری بر اساس منهج رسول الله صلی الله علیه و سلم حرکت کنیم. باید از خاطرات تلخ جدایی‌ها و کشمکش‌های گذشته عبور کنیم و به سمت شکل‌گیری قدرتی واحد گام برداریم؛ قدرتی که الله سبحانه و تعالی بر ما واجب کرده است. این وحدت باید خواسته‌ی ما باشد؛ وحدتی در قالب خلافت بر منهج نبوت، نه مجموعه‌ای از دولت‌های همکاری‌کننده‌ی جدا از هم.

**نویسنده: سیف الدین عرفان**

**5 جمادی الثانی 1447 ه.ق.**

**۲۶ نوامبر ۲۰۲۵ م.**

**مترجم: حسین سلحشور**